

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

The Elucidation of Safety Theories in the Regeneration of Informal Urban Settlements

در همین شماره به چاپ رسیده است.

تبیین نظریه‌های ایمنی در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار شهری*

علی طهرانچی^۱، الهام پورمهابادیان^{۲*}، علیرضا بندرآباد^۳

۱. گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده:

سکونتگاه‌های ناپایدار شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نابرابری فضایی و توسعه نامتوازن، از چالش‌های اساسی برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شوند و بازآفرینی آن‌ها نیازمند رویکردی مبتنی بر اصول ایمنی و عدالت شهری است. این پژوهش با هدف تبیین و نظام‌مندسازی چارچوب‌های نظری ایمنی در فرآیند بازآفرینی این سکونتگاه‌ها، به تحلیل انتقادی نظریه‌های معاصر در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌پردازد. بدین منظور، نظریه‌های مدیریت ریسک، تاب‌آوری شهری، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، و عدالت فضایی به‌عنوان بنیان‌های مفهومی اصلی مورد بررسی قرار گرفتند. روش تحقیق بر پایه رویکرد توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی منابع تخصصی استوار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای ایمنی در این بافت‌ها مستلزم نگرشی چندلایه و تلفیقی است؛ به‌گونه‌ای که مداخلات کالبدی و طراحی فضاهای عمومی باید همزمان با تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای زیرساخت‌های شهری، و نهادینه‌سازی حکمرانی مشارکتی دنبال شود. از این منظر، ادغام نظریه‌های ایمنی در سیاست‌های بازآفرینی می‌تواند به ارتقای تاب‌آوری شهری، بهبود کیفیت محیط، کاهش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و فضایی، و تقویت حس تعلق ساکنان بینجامد. در نهایت، پژوهش بر ضرورت تدوین چارچوب‌های بومی‌شده، چندبعدی و انعطاف‌پذیر برای پیوند مؤثر نظریه‌های ایمنی با فرآیندهای بازآفرینی شهری تأکید می‌کند؛ چارچوبی که بتواند پاسخگوی شرایط متغیر و پیچیده سکونتگاه‌های ناپایدار در شهرهای معاصر باشد.

شهرسازی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۷/۳

تاریخ بازنگری:

//

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۷/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۸/۳۰

واژگان کلیدی:

ایمنی شهری،
بازآفرینی سکونتگاه‌های
ناپایدار،
تاب‌آوری،
مدیریت ریسک،
عدالت فضایی.

* این مقاله برگرفته از متن رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول با عنوان "تبیین مؤلفه‌های بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار با رویکرد ایمنی و کاهش خطرپذیری در برابر آتش‌سوزی (مطالعه موردی: مرتضی گرد تهران)" است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تدوین شده است.

**

نویسنده مسئول: +989123003705, Elham.pourmahabadian@iaua.ac.ir

مقدمه

رشد سریع شهرنشینی در دهه‌های اخیر، منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های ناپایدار شهری به عنوان یکی از چالش‌های اساسی توسعه شهری شده است (UN-Habitat, 2020). این سکونتگاه‌ها به دلیل فقر زیرساختی، ضعف در خدمات عمومی و ناامنی اجتماعی، سطح بالایی از آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند. در این میان، توجه به مقوله ایمنی به عنوان یکی از ارکان اصلی کیفیت زندگی شهری، اهمیت ویژه‌ای در فرآیند بازآفرینی این مناطق می‌یابد (Cozens, 2015). نظریه‌های معاصر ایمنی شهری، نظیر مدیریت ریسک، تاب‌آوری شهری، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) و عدالت فضایی، هر یک تلاش کرده‌اند تا ابعاد مختلف ایمنی در محیط‌های شهری را تبیین کنند و راهکارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری ارائه دهند (Ahern, 2011 & Parnell, 2010). با این وجود، ادغام مؤثر این نظریه‌ها در برنامه‌های بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، نیازمند چارچوب‌های یکپارچه و بومی‌شده‌ای است که بتواند پاسخگوی شرایط خاص هر منطقه باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است با تحلیل انتقادی نظریه‌های ایمنی، نقش آن‌ها در بهبود فرآیند بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار را تبیین نماید.

بیان مسئله

سکونتگاه‌های ناپایدار شهری به دلیل ویژگی‌هایی چون تراکم بالای جمعیت، ضعف زیرساخت‌های خدماتی، فقر اقتصادی و فقدان نظام‌های حکمرانی مؤثر، از بالاترین میزان آسیب‌پذیری در برابر انواع مخاطرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی برخوردارند (UN-Habitat, 2020). در چنین بسترهایی، فقدان ایمنی به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان اثر گذاشته و روند توسعه پایدار شهری را مختل می‌سازد. در پاسخ به این وضعیت، نظریه‌های ایمنی شهری همچون مدیریت ریسک و تاب‌آوری، طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم (CPTED) و عدالت فضایی، چارچوب‌هایی را برای ارتقای ایمنی در محیط‌های شهری پیشنهاد داده‌اند (Cozens, 2015; Ahern, 2011). با این حال، اجرای این نظریه‌ها در زمینه بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، با چالش‌هایی چون نبود چارچوب‌های بومی‌شده، ناهماهنگی بین مداخلات کالبدی و

اجتماعی، و ضعف مشارکت‌پذیری ساکنان مواجه است. رویکردهای سنتی که صرفاً بر بهبود کالبدی تمرکز داشته‌اند، بدون توجه به ابعاد اجتماعی و نهادی ایمنی، غالباً به شکست در ایجاد سکونتگاه‌های پایدار منجر شده‌اند (Cozens, 2015). بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از نظریه‌های ایمنی و تطبیق آن‌ها با زمینه‌های بومی، چارچوبی یکپارچه و کارآمد برای بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار طراحی نمود که ارتقای ایمنی را به صورت چندبُعدی و پایدار تضمین کند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

در حالی که سکونتگاه‌های ناپایدار یکی از معضلات اصلی بسیاری از کشورهای در حال توسعه هستند، توجه به ایمنی در این مناطق برای ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها ضروری است. از آنجا که بازآفرینی این سکونتگاه‌ها به صورت مؤثر نیازمند مداخله در ابعاد مختلف، از جمله فیزیکی، اجتماعی و نهادی است، بررسی و تبیین نظریه‌های ایمنی می‌تواند به طراحی سیاست‌ها و استراتژی‌های جامع‌تری برای بازآفرینی این مناطق کمک کند (Ahern, 2011). استفاده از نظریه‌های ایمنی در این فرآیند می‌تواند موجب کاهش خطرات اجتماعی و زیست‌محیطی، بهبود تاب‌آوری شهری و تقویت حس تعلق اجتماعی ساکنان گردد (Cozens, 2015). به علاوه، این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری کمک کند تا به‌طور مؤثرتر به نیازهای اساسی ایمنی در فرآیند بازآفرینی توجه نمایند.

اهداف پژوهش

- تبیین نظریه‌های ایمنی شهری و تحلیل آن‌ها در چارچوب بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار.
- شناسایی ابعاد مختلف ایمنی (کالبدی، اجتماعی، نهادی) در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار.
- ارائه چارچوبی یکپارچه و بومی‌شده برای ادغام نظریه‌های ایمنی در فرآیندهای بازآفرینی شهری.

پرسش‌های پژوهش

- چگونه می‌توان نظریه‌های ایمنی شهری را در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار به کار برد؟
- چه ابعاد ایمنی (کالبدی، اجتماعی، نهادی) باید در بازآفرینی این سکونتگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد؟

○ چه چارچوبی می‌تواند به‌طور مؤثر نظریه‌های ایمنی را با ویژگی‌های بومی این سکونتگاه‌ها ادغام کند؟

مبانی نظری

• ایمنی شهری

به مجموعه‌ای از اقدامات و فرآیندهایی اطلاق می‌شود که به کاهش تهدیدات و خطرات برای شهروندان و محیط‌های شهری کمک می‌کند. ایمنی شهری به ابعاد مختلفی چون ایمنی فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود. در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار شهری، ایجاد ایمنی نه تنها بر بهبود شرایط کالبدی و زیرساختی تمرکز دارد، بلکه ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن نیز در فرآیند توسعه پایدار باید مورد توجه قرار گیرد (Ahern, 2011). در مطالعات مربوط به ایمنی شهری، نظریه‌ها و دیدگاه‌های متنوعی توسط نظریه‌پردازان مختلف ارائه شده‌اند که هر یک به جنبه‌های متفاوتی از مفهوم ایمنی پرداخته‌اند. این نظریه‌ها از رویکردهای شهرسازی و معماری تا مسائل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرند. شناخت این دیدگاه‌ها می‌تواند به درک بهتر از چگونگی ارتقای ایمنی در شهرها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند. نظریه‌پردازان این حوزه به دنبال ارائه راهکارهایی هستند که از طریق طراحی

فضاهای شهری، مشارکت اجتماعی و مدیریت بحران، بتوانند شهرهایی ایمن‌تر و مقاوم‌تر در برابر تهدیدات ایجاد کنند.

در **جدول شماره ۱** به بررسی و مقایسه مهم‌ترین نظریه‌ها و نظریه‌پردازان حوزه ایمنی پرداخته می‌شود، که هر یک با تمرکز بر جنبه‌های خاصی از ایمنی، چارچوبی برای تحلیل و برنامه‌ریزی در زمینه ایمنی شهری ارائه کرده‌اند.

این نظریات نشان می‌دهند که مفهوم ایمنی شهری چندبعدی است و باید در حوزه‌های مختلف از جمله طراحی محیطی، سلامت عمومی، زیرساخت‌ها، و امنیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

• سکونتگاه‌های ناپایدار

سکونتگاه‌های ناپایدار یا غیررسمی به مناطقی گفته می‌شود که دارای ویژگی‌هایی نظیر تراکم جمعیت بالا، کیفیت پایین ساخت‌وساز، و دسترسی محدود به خدمات اساسی هستند. این مناطق معمولاً فاقد برنامه‌ریزی شهری منسجم و زیرساخت‌های مناسب هستند که به تبع آن آسیب‌پذیری بالایی در برابر حوادث طبیعی و انسان‌ساخت، به ویژه آتش‌سوزی، دارند (UN-Habitat, 2016). این سکونتگاه‌ها معمولاً فاقد سیستم‌های ایمنی پایه مانند خطوط انتقال آب آتش‌نشانی یا سیستم‌های هشداردهی هستند.

جدول شماره ۱) نظریه و نظریه‌پردازان حوزه ایمنی.

ردیف	نظریه	نظریه پرداز	محتوای نظریه	توضیحات
۱	CPTED (Crime Prevention Through Environmental Design)	Ray Jeffery و Oscar Newman	این نظریه بر این باور است که طراحی و برنامه‌ریزی محیطی می‌تواند به کاهش جرایم کمک کند. شاخص‌های اصلی این نظریه شامل: ○ نظارت طبیعی (Natural Surveillance): طراحی فضاها به گونه‌ای که بتوان فعالیت‌های افراد را مشاهده کرد. ○ کنترل دسترسی (Access Control): محدود کردن ورودی‌ها و خروجی‌های فضاها برای افزایش ایمنی. ○ تقویت احساس مالکیت (Territorial Reinforcement): ایجاد فضاهایی که افراد احساس تعلق و مالکیت کنند و به مراقبت از آن‌ها بپردازند.	این نظریه در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده و با تمرکز بر طراحی محیط‌های شهری مطرح شد.
۲	Broken Windows	James Q. Wilson و George Kelling	این نظریه بیان می‌کند که اگر مشکلات کوچک در محیط‌های شهری مانند پنجره‌های شکسته و خرابی‌های کوچک نادیده گرفته شوند، ممکن است منجر به جرایم بزرگ‌تری شوند. شاخص‌های امنیت در این نظریه شامل: - مراقبت مستمر از فضای شهری و حفظ نظم اجتماعی. - برخورد با ناهنجاری‌های کوچک به عنوان راهی برای جلوگیری از جرم‌های جدی‌تر.	این نظریه در سال ۱۹۸۲ در آمریکا ارائه شد و به عنوان یکی از پایه‌های رویکردهای جدید پلیسی استفاده شده است.

ادامه جدول شماره ۱) نظریه و نظریه پردازان حوزه ایمنی.

ردیف	نظریه	نظریه پرداز	محتوای نظریه	توضیحات
۳	نظریه شهر ایمن WHO (World Health Organization)	سازمان بهداشت جهانی	سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۹ با معرفی مفهوم شهرهای ایمن، به تشویق ایجاد شهرهایی پرداخت که بر پیشگیری از حوادث و سلامت عمومی تمرکز دارند. شاخص‌های کلیدی این نظریه شامل: ○ ارتقای سلامت عمومی و کاهش بیماری‌ها و آسیب‌های غیرعمدی. ○ مشارکت جامعه در طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های ایمنی. ○ بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و بهبود خدمات اورژانسی.	این برنامه در ابتدا در سوئد مطرح و سپس در سطح جهانی گسترش یافت. سال ۱۹۸۹، سوئد
۴	نظریه امنیت اجتماعی (Social Safety)	Anthony Giddens	گیدنز امنیت اجتماعی را به عنوان یک شاخص کلیدی در ایمنی شهری مطرح کرد. امنیت اجتماعی به معنای ایجاد اطمینان و ثبات در جوامع از طریق: ○ دسترسی به خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و عدالت اجتماعی. ○ کاهش فاصله طبقاتی و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه.	این نظریه در دهه ۱۹۹۰ به عنوان بخشی از نظریه‌های جامعه‌شناسی گیدنز در مورد مدرنیت و امنیت اجتماعی مطرح شد.
۵	شاخص‌های امنیت شهری Safe Cities Index	Economist Intelligence Unit (EIU)	این شاخص‌ها شامل پنج دسته اصلی هستند که بر اساس آن‌ها ایمنی شهری ارزیابی می‌شود: ○ ایمنی دیجیتال: محافظت از داده‌ها و زیرساخت‌های دیجیتال. ○ ایمنی بهداشتی: دسترسی به خدمات بهداشتی و کاهش خطرات بیماری‌ها. ○ ایمنی زیرساختی: اطمینان از ایمنی پل‌ها، جاده‌ها و سایر زیرساخت‌های شهری. ○ ایمنی شخصی: حفاظت از شهروندان در برابر جرم و جنایت. ○ ایمنی محیط زیستی: کاهش خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی.	این شاخص‌ها هر ساله در سطح جهانی توسط Economist Intelligence Unit ارائه می‌شوند و در سال ۲۰۲۱ نیز به‌روزرسانی شده‌اند.
۶	ایمنی سیستمی (System Safety)	چارلز پرووینس	تمرکز بر ایمنی به عنوان نتیجه طراحی و مدیریت سیستم‌های پیچیده	درک ارتباط بین زیرساخت‌ها و پیش‌بینی خطرات احتمالی
۷	زنجیره حادثه (Accident Chain)	هربرت هاینریش	حوادث نتیجه عوامل مرتبط به هم هستند و با حذف یک حلقه می‌توان آن‌ها را کنترل کرد.	شناسایی عوامل خطر و قطع کردن زنجیره علل آسیب پذیری
۸	ریسک (Risk Theory)	آنتونی گیدنز	تمرکز بر مدیریت تحلیل ریسک‌های اجتماعی و محیطی	ارزیابی ریسک‌های مرتبط با فقر، خطرات طبیعی
۹	تاب‌آوری (Resiliency Theory)	دیوید آلکایند	افزایش ظرفیت جوامع برای مقابله با بحران‌ها و بازگشت به حالت اولیه	ایجاد زیرساخت‌ها و سیستم‌هایی که به سرعت قابل بازسازی و احیا هستند.

• بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار

بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار شهری یک فرآیند پیچیده است که هدف آن بهبود شرایط زندگی ساکنان این مناطق از طریق بهبود زیرساخت‌ها، خدمات عمومی، و ایجاد فضاهایی با کیفیت است. این فرآیند به مداخلات فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد و باید بر ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی و فرهنگی تمرکز کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، فراهم آوردن شرایط ایمن و پایدار برای ساکنان است. ایجاد ایمنی از طریق طراحی مناسب، تأمین خدمات عمومی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود این سکونتگاه‌ها کمک کند (UN-Habitat, 2020).

• تاب‌آوری شهری

به معنای توانایی یک شهر در برابر بحران‌ها و توانایی بازسازی و بازگشت به وضعیت پیشین پس از بروز بحران‌ها است. این مفهوم در بازآفرینی شهری به ویژه در نواحی ناپایدار اهمیت دارد. یکی از مدل‌های مطرح در این زمینه، مدل تاب‌آوری جوامع است که به ارتباطات اجتماعی و ساختارهای محلی برای مدیریت بحران‌ها و کاهش آسیب‌پذیری اشاره دارد (Adger, 2000). همچنین، نظریه سیستم‌های ایمن به دنبال ایجاد ساختارهای شهری است که به طور سیستماتیک خطرات را کاهش دهند و مانع از بروز بحران‌های گسترده شوند.

• ارتباط ایمنی و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار

ایمنی شهری و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. از آنجا که سکونتگاه‌های ناپایدار به دلیل شرایط نامساعد کالبدی و اجتماعی با تهدیدات مختلفی روبه‌رو هستند، توجه به ایمنی به عنوان یکی از ارکان اساسی این فرآیند بسیار حیاتی است. بهبود ایمنی در این مناطق می‌تواند موجب کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان شود. نظریه‌هایی چون پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) و تاب‌آوری شهری می‌توانند ابزارهای مؤثری برای ارتقاء ایمنی در فرآیند بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار فراهم کنند (Cozens, 2015).

• چالش‌ها و فرصت‌ها در بازآفرینی سکونتگاه‌های

ناپایدار

چالش‌های عمده در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار شامل نابرابری‌های اجتماعی و فضایی، کمبود منابع مالی، ضعف حکمرانی شهری و فقدان مشارکت مؤثر از سوی ساکنان است. با این حال، فرصت‌هایی چون استفاده از نظریه‌های ایمنی، ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی، و توجه به عدالت فضایی می‌تواند راه‌حل‌های مؤثری برای این چالش‌ها ارائه دهد. به‌طور خاص، استفاده از طراحی محیطی ایمن و تقویت مشارکت ساکنان در فرآیند بازآفرینی می‌تواند موجب ایجاد فضایی امن، پایدار و باکیفیت در این سکونتگاه‌ها گردد (Parnell & Pieterse, 2010). در بخش مبانی نظری این پژوهش، به بررسی مفاهیم و نظریه‌های اساسی در زمینه ایمنی شهری و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار پرداخته شد. ایمنی شهری به عنوان یکی از ارکان اساسی هر فرآیند توسعه پایدار در سکونتگاه‌ها، به تمامی ابعاد تهدیدات اجتماعی، فیزیکی، اقتصادی و زیست‌محیطی توجه دارد. نظریه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است که می‌توانند به افزایش ایمنی و کاهش آسیب‌پذیری ساکنان مناطق ناپایدار کمک کنند. نظریه‌های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، تاب‌آوری شهری و مدیریت ریسک، هرکدام به جنبه‌ای خاص از ایمنی شهری پرداخته‌اند. طراحی محیطی مناسب می‌تواند فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش دهد و امنیت محیط را بهبود بخشد. همچنین، تاب‌آوری شهری و مدیریت ریسک از ابزاری برای مقابله با تهدیدات و بحران‌های طبیعی و انسانی در محیط‌های شهری هستند. در این میان، نظریه عدالت فضایی بر توزیع عادلانه منابع و امکانات در نواحی ناپایدار تأکید دارد و سعی می‌کند تا از بروز نابرابری‌های اجتماعی و فضایی جلوگیری کند. ارتباط نزدیک میان ایمنی شهری و فرآیند بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار به وضوح نشان می‌دهد که برای ایجاد یک محیط امن و پایدار، توجه به ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، تنها با استفاده از یک رویکرد جامع و چندبعدی است که می‌توان به بازآفرینی مناطق ناپایدار شهری دست یافت و در عین حال ایمنی ساکنان را در برابر تهدیدات مختلف تقویت کرد.

می‌دهند. این مؤلفه‌ها به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر در موفقیت بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار تلقی می‌شوند. چارچوب مفهومی، مسیر تحلیلی پژوهش را مشخص کرده و مبنای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها قرار گرفته است؛ به نحوی که بتواند به درک دقیق‌تری از روابط میان ایمنی و کیفیت بازآفرینی در این سکونتگاه‌ها منجر شود. این چارچوب همچنین به‌منظور ارائه الگوی عملیاتی برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری قابل استفاده خواهد بود.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی به‌عنوان رویکرد اصلی تحقیق استفاده شده است؛ روشی که برای تحلیل موضوعات پیچیده و چندبعدی همچون ایمنی شهری و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار بسیار مناسب و کارآمد است. داده‌های پژوهش از دو مسیر اصلی گردآوری شده‌اند: نخست، مطالعه اسنادی که شامل بررسی منابع علمی معتبر، مقالات پژوهشی، گزارش‌ها و سیاست‌های شهری مرتبط با موضوع پژوهش است؛ و دوم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با کارشناسان، مدیران شهری و ساکنان مناطق ناپایدار که با هدف شناخت دقیق‌تر تجربیات،

چارچوب مفهومی پژوهش

برای تبیین بهتر ارتباط میان نظریه‌های ایمنی و بازآفرینی، ابعاد بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار و مؤلفه‌های ایمنی شهری، یک چارچوب مفهومی (شکل شماره ۱) طراحی می‌شود. این چارچوب به وضوح نشان می‌دهد که چگونه نظریه‌ها و مفاهیم مختلف در فرآیند بازآفرینی مناطق ناپایدار شهری می‌توانند تأثیرگذار باشند و به بهبود کیفیت زندگی ساکنان منجر شوند.

چارچوب مفهومی این پژوهش بر پایه تلفیق نظریه‌های مرتبط با ایمنی شهری، بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، و کاهش خطرپذیری شکل گرفته است. در این مدل، ایمنی به‌عنوان مفهومی چندبعدی شامل سه محور اصلی فیزیکی، اجتماعی و زیست‌محیطی در نظر گرفته شده که همگی در فرآیند بازآفرینی نقشی کلیدی دارند. در این چارچوب، عناصر کالبدی-فضایی (نظیر طراحی محیطی، زیرساخت‌ها و دسترسی‌ها)، عوامل اجتماعی (مانند تاب‌آوری اجتماعی، مشارکت محلی و اعتماد عمومی) و ابعاد مدیریتی-سیاستی (نظیر سیاست‌های شهری، برنامه‌ریزی ریسک و عدالت فضایی) در تعامل با یکدیگر، مؤلفه‌های ایمنی شهری را شکل



شکل شماره ۱) چارچوب مفهومی پژوهش.

دیدگاه‌ها و چالش‌های موجود در زمینه ایمنی شهری صورت گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است که با کدگذاری مفاهیم و استخراج الگوهای مفهومی مشترک در پاسخ‌ها، به دسته‌بندی نظام‌مند اطلاعات کمک می‌کند. همچنین، تحلیل تماتیک به شناسایی و سازماندهی تم‌ها و مضامین کلیدی در داده‌های مصاحبه و اسناد پرداخته و چارچوب مفهومی پژوهش را شکل داده است. در نهایت، تفسیر داده‌ها با تکیه بر نظریه‌های موجود از جمله نظریه تاب‌آوری شهری، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، و نظریه مدیریت ریسک انجام شده است تا نشان داده شود که این نظریه‌ها چگونه می‌توانند به بهبود فرآیند بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار و ارتقاء ایمنی در این مناطق کمک کنند.

تحلیل یافته‌ها و بحث

• تحلیل ایمنی و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار در

بعد کالبدی

یکی از مهم‌ترین ابعاد در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، توجه به ایمنی فیزیکی و طراحی کالبدی است. تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌ها و اسناد نشان می‌دهد که در بسیاری از مناطق ناپایدار، ضعف زیرساخت‌ها و طراحی غیرامن فضاها منجر به بروز خطرات مختلف برای ساکنان می‌شود. برای مثال، عدم وجود نورپردازی کافی، فضاهای مخفی و تاریک و طراحی‌های نامناسب شهری از جمله عواملی هستند که به افزایش جرم و خشونت در این مناطق دامن می‌زنند. این وضعیت با نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) تطابق دارد که بر اهمیت طراحی فضاهای باز، قابل مشاهده و با نظارت طبیعی تأکید دارد. مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از ساکنان مناطق ناپایدار از فضاهایی با نظارت ضعیف و آسیب‌پذیر در برابر جرائم رنج می‌برند. در نتیجه، یکی از پیشنهادات اصلی برای بازآفرینی این مناطق، توجه به طراحی فضاهایی با ویژگی‌های شفاف، قابل دسترس و با نظارت طبیعی است تا امکان ارتکاب جرم کاهش یابد و ایمنی فیزیکی بیشتر شود.

• تحلیل ایمنی اجتماعی و تاب‌آوری در برابر بحران‌ها

ایمنی اجتماعی و تاب‌آوری در برابر بحران‌ها یکی از ابعاد

دیگری است که در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار باید مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش، داده‌ها نشان می‌دهند که ارتباطات اجتماعی ضعیف و نقص در خدمات اجتماعی باعث افزایش آسیب‌پذیری ساکنان این مناطق در برابر بحران‌ها و تهدیدات اجتماعی می‌شود. ساکنان بسیاری از این مناطق بیان کردند که در مواجهه با بحران‌ها یا بلایای طبیعی مانند سیل یا زلزله، کمبود شبکه‌های حمایتی و مشارکت ضعیف موجب می‌شود که آن‌ها قادر به مقابله با این تهدیدات نباشند. نظریه تاب‌آوری شهری به این نکته اشاره دارد که جوامع باید توانایی بازگشت به شرایط عادی را پس از وقوع بحران‌ها داشته باشند. در این راستا، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که تقویت شبکه‌های اجتماعی و مشارکت محلی در فرآیند بازآفرینی می‌تواند تاب‌آوری را افزایش دهد. تقویت روابط میان‌فردی و ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری و بهبود ایمنی اجتماعی کمک کند.

• تحلیل ایمنی زیست‌محیطی و طراحی پایدار

از آنجا که سکونتگاه‌های ناپایدار معمولاً در مناطقی با مشکلات زیست‌محیطی مواجه هستند (مانند آلودگی هوا، آلودگی آب و کمبود فضاهای سبز)، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که توجه به ایمنی زیست‌محیطی و پایداری محیطی در بازآفرینی این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بسیاری از ساکنان این مناطق به مشکلاتی چون آلودگی شدید هوا و عدم دسترسی به فضاهای سبز اشاره کردند که نه تنها بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه ایمنی زیست‌محیطی را نیز به خطر می‌اندازد. طبق نظریه‌های موجود در زمینه مدیریت ریسک و تاب‌آوری شهری، می‌توان با طراحی فضاهای سبز، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، و بهبود سیستم‌های مدیریت پسماند به کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی کمک کرد. همچنین، توجه به طراحی پایدار در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار می‌تواند به ایجاد محیطی سالم‌تر و ایمن‌تر برای ساکنان کمک کند.

• تحلیل عدالت فضایی و توزیع عادلانه منابع

در تحلیل داده‌ها، یکی از مسائل مهم مطرح شده توسط ساکنان مناطق ناپایدار، نابرابری در دسترسی به خدمات و امکانات شهری است. این نابرابری‌ها موجب می‌شود که ساکنان

نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که ایمنی شهری و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، برای موفقیت در فرآیند بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق، به رویکردی جامع و چندبُعدی نیاز دارند. ایمنی فیزیکی، اجتماعی و زیست‌محیطی از ارکان اصلی در این فرآیند هستند که باید به‌طور همزمان مورد توجه قرار گیرند. طراحی محیطی مناسب و بهبود زیرساخت‌ها می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات فیزیکی و اجتماعی کمک کند، در حالی که تقویت تاب‌آوری اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی، به ساکنان کمک می‌کند تا در برابر بحران‌ها و تهدیدات اجتماعی مقاومت کنند. علاوه بر این، توجه به ایمنی زیست‌محیطی و طراحی پایدار، با کاهش آلودگی‌ها و ایجاد فضاهای سبز، می‌تواند کیفیت محیط زیست و سلامت ساکنان را بهبود بخشد.

همچنین، عدالت فضایی و توزیع عادلانه منابع از جمله زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، برای کاهش نابرابری‌ها و افزایش دسترسی به امکانات ضروری در این مناطق، اهمیت دارد. در نهایت، برای بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار باید به تمامی ابعاد ایمنی توجه شود و فرآیندهای بازآفرینی با مشارکت فعال ساکنان و همکاری میان نهادهای دولتی و محلی انجام گیرد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد محیط‌های شهری امن‌تر، پایدارتر و با کیفیت‌تر برای ساکنان منجر شود.

فهرست منابع:

- ترکمانی، س. (۱۴۰۰). تاب‌آوری شهری و نقش آن در مدیریت بحران سکونتگاه‌های ناپایدار. برنامه‌ریزی شهری، ۲۹(۲)، ۶۷-۸۶.
- حبیبی، م.، پوراحمد، ا. و رضازاده، ا. (۱۳۹۳). بازآفرینی شهری پایدار: راهبردی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- شرکت بازآفرینی شهری ایران. (۱۳۹۷). راهنمای سیاست‌ها و اقدامات بازآفرینی پایدار شهری. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- مهدوی، ع. و امینی، م. (۱۳۹۸). تحلیل نقش طراحی محیطی در ارتقاء ایمنی شهری با رویکرد CPTED. پژوهش‌های معماری و شهرسازی ایران، ۷(۴)، ۲۵-۴۴.

این مناطق به خدمات اولیه مانند آب آشامیدنی، برق، حمل‌ونقل عمومی و فضاهای تفریحی دسترسی نداشته باشند. این مشکلات به‌طور مستقیم بر ایمنی اجتماعی و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه، موجب افزایش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها می‌شود. طبق نظریه عدالت فضایی، یکی از اهداف بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، توزیع عادلانه منابع و خدمات در این مناطق است. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که برای رسیدن به این هدف، باید به توسعه زیرساخت‌ها و ارتقاء دسترسی به خدمات عمومی در این مناطق توجه ویژه‌ای شود. این اقدامات می‌تواند باعث افزایش حس امنیت و مشارکت اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شود. تفسیر داده‌ها نشان می‌دهد که برای موفقیت در بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار، باید به ایمنی شهری از جنبه‌های مختلف آن توجه شود. طراحی محیطی به‌عنوان اولین گام، ایمنی فیزیکی را تضمین می‌کند، در حالی که ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی و بهبود روابط اجتماعی می‌تواند به افزایش ایمنی اجتماعی و کاهش آسیب‌پذیری کمک کند.

علاوه بر این، توجه به ایمنی زیست‌محیطی و عدالت فضایی می‌تواند از ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی جلوگیری کرده و به بهبود شرایط سکونتگاه‌های ناپایدار کمک کند. بحث‌های مطرح شده در یافته‌ها نشان می‌دهند که ایمنی شهری و بازآفرینی سکونتگاه‌های ناپایدار به‌طور مستقیم به طراحی محیطی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و توزیع عادلانه منابع بستگی دارد. با توجه به نظریه‌های تاب‌آوری شهری، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و مدیریت ریسک‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که برای ایجاد محیط‌های ایمن و پایدار در این سکونتگاه‌ها، باید به تمام ابعاد ایمنی از جمله فیزیکی، اجتماعی و زیست‌محیطی توجه شود. نقاط ضعف طراحی شهری و مشکلات اجتماعی موجود در سکونتگاه‌های ناپایدار نیازمند یک رویکرد چندبُعدی و جامع است که هم به بهبود کیفیت فضاهای کالبدی و هم به ارتقاء مشارکت اجتماعی و تاب‌آوری کمک کند. در این راستا، همکاری بین نهادهای دولتی، محلی و ساکنان برای ایجاد تغییرات مؤثر در طراحی و مدیریت این سکونتگاه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

- <https://doi.org/10.22052/1047-1547.10.2202>
Newman, O. (۱۹۷۲). **Defensible space: Crime prevention through urban design**. Macmillan.
- Parnell, S., & Pieterse, E. (۲۰۱۰). **The 'right to the city': Institutional imperatives of a developmental state**. International Journal of Urban and Regional Research, ۳۴(۱), ۱۴۶-۱۶۲. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2010.00954.x>
- UN-Habitat. (۲۰۱۵). **Guiding principles for city climate action planning**. United Nations Human Settlements Programme. <https://unhabitat.org>
- UN-Habitat. (۲۰۲۰). **World cities report ۲۰۲۰: The value of sustainable urbanization**. United Nations Human Settlements Programme.
- Wekerle, G. R., & Whitzman, C. (۱۹۹۵). **Safe cities: Guidelines for planning, design and management**. Van Nostrand Reinhold.
- Ahern, J. (۲۰۱۱). **From fail-safe to safe-to-fail: Sustainability and resilience in the new urban world**. Landscape and Urban Planning, ۱۰۰(۴), ۳۴۱-۳۴۳. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.02.001>
- Coaffee, J., Wood, D., & Rogers, P. (۲۰۰۹). **The everyday resilience of the city: How cities respond to terrorism and disaster**. Palgrave Macmillan.
- Cozens, P. (۲۰۱۵). **Urban planning and environmental criminology: Towards a new perspective for safer cities**. Planning Practice & Research, ۳۰(۴), ۴۸۱-۴۹۵. <https://doi.org/10.1080/02697459.2015.1052942>
- Cutter, S. L., Burton, C. G., & Emrich, C. T. (۲۰۰۸). **Disaster resilience indicators for benchmarking baseline conditions**. Journal of Homeland Security and Emergency Management, ۵(۱), ۱-۲۲.

